

تأثیر سبک معماری اسلامی آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری سایر سرزمین های اسلامی در قرون و سده های بعدی

فرزاد فیضی^{۱*}، زهرا میرازی^۲، مهری محمدی لورون^۳

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

farzadfeyzi50@yahoo.com

چکیده

معماری اسلامی از لحاظ تاریخی اولین هنری است که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نماید. هنر معماری آذربایجان در دوره ایلخانی و تیموری با شهرهایی همچون تبریز، مراغه و سلطانیه به رشد و بالندگی بی سابقه ای دست یافت و شاهکارهای بوجود آمده از آن، معماری سایر سرزمین های اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داد. نمونه های معماری باقی مانده در هند و آسیای میانه در شرق سرزمین های اسلامی تا مصر و ترکیه در غرب جهان اسلام، نماد و نشانی آشکار از این پیشرفت ها و تأثیرات معماری هستند. پاره ای از این ویژگی های معماری با نفوذ به سایر سرزمین های اسلامی رنگ و بوی آن سرزمین را گرفته و به صورتی دیگر متجلی شده است که با نگاه ژرف و عمیق می توان ریشه آنها را در سبک معماری آذربایجان جست و جو کرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مقایسه ای و از طریق مطالعات کتابخانه ای سعی در نشان دادن میزان تأثیر سبک معماری آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری سایر سرزمین های اسلامی در قرون و سده های بعدی دارد و برای نیل بدین هدف آثار شاخص معماری اسلامی سرزمین های مزبور را که نشانی از این تأثیرات دارند برای نشان دادن میزان و نحوه ی این تأثیرگذاری با نگاه تحلیلی مورد بررسی قرار می دهد. در پایان مشخص شد که این تأثیرات و تبادل افکار باعث بوجود آمدن سبک معماری اسلامی بین المللی شد که تا چندین سده در سرزمین های دور و نزدیک اسلامی رواج داشت، که در واقع ریشه و خاستگاه بسیاری از این ویژگیها سرزمین آذربایجان در ایران زمین بود.

واژگان کلیدی: آذربایجان، معماری اسلامی، دوره ایلخانی، دوره تیموری، سرزمین های اسلامی

۱- مقدمه

مطالعات معماری اسلامی با وجود پژوهش های بسیار همچنان با کاستی های فراوانی رو به روست و شکاف های فاحشی در آن مشاهده می شود که بعضی از این ناهمگونی ها به دلیل بی اطلاعی یا کم توجهی نویسندگان به گنجینه های عظیم فرهنگی و هنری مناطق مختلف مانند سرزمین آذربایجان می باشد (اوریا، ۱۳۹۴: ۱۲). آذربایجان از مراکز پر قدرت معماری جهان اسلام است که فرایند تحولات معماری در آنجا تاریخی کهن دارد. در دوره ی ایلخانیان مرکزیت فرهنگ و هنر ایران از خراسان و ماوراءالنهر به آذربایجان منتقل می شود و معماری سرزمین آذربایجان در قالب مکتبی چون تبریز به اوج بالندگی و شکوفایی می رسد و معماری

سرزمین‌های همجوار را تحت الشعاع قرار می‌دهد (آجرلو، ۱۳۸۹: ۴). این تأثیرات بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی از هند در دوره‌ی گوکانیان در شرق تا ممالیک مصر در غرب آشکار و هویدا می‌باشد.

پیشرفت معماری در آذربایجان در زمان ترکمانان آق‌قویونلو و قراقویونلو ادامه می‌یابد، هر چند که در مواردی معماری این دوره از بسیاری لحاظ مدیون و ادامه‌ی معماری دوره‌ی ماقبل خود یعنی ایلخانی است؛ اما معماری این دوره نیز بدیع است و نوآوری‌هایی نیز در آن مشاهده می‌شود تا جایی که تأثیرات کاخ‌های مجموعه‌هایی مانند صاحب آباد تبریز در تاج محل، چینیلی کوشک و کاخ‌های اصفهان عهد صفوی دیده می‌شود. این پژوهش بر اساس سوال اصلی زیر صورت گرفته است: تأثیر شیوه و سبک معماری اسلامی آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی در قرون و سده‌های بعدی به چه اندازه بوده است؟ اهمیت این پژوهش بدان است که تاکنون کار علمی که به صورت اختصاصی و مستقل برای نشان دادن میزان تأثیر سبک معماری آذربایجان بر سایر سرزمین‌های اسلامی در سده‌های بعدی بپردازد، صورت نگرفته است، و بحث‌های صورت گرفته فقط به صورت اشارات کوتاه در مابین مطالب دیگر بوده است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق این نوشتار توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و هدف آن نشان دادن تأثیر سبک معماری آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی در قرون و سده‌های بعدی است. در این راستا محقق ابتدا به بررسی کلی ویژگی‌های معماری اسلامی آذربایجان در دوران مزبور می‌پردازد و بعد به صورت موردی تأثیر این ویژگی‌ها را در آثار معماری سایر سرزمین‌های اسلامی نشان می‌دهد.

۳- پیشینه تحقیق

در باب موضوع معماری اسلامی آذربایجان و یا به بیان دقیق‌تر سبک معماری آذربایجان تحقیقات زیادی صورت گرفته است، اما در مورد هدف اصلی این پژوهش که نشان دادن میزان تأثیر این سبک معماری بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی اعم از هند، امپراتوری عثمانی، مصر و ... است، پژوهش همه‌جانبه و دقیقی صورت نگرفته است. اولین بار شادوران محمدکریم پیرنیا معماری اسلامی آذربایجان در سده‌های هفت تا نه هجری را با عنوان سبک آذری معرفی کرد و آن را مترادف با معماری ایلخانی و تیموری آذربایجان قرار داد (پیرنیا، ۱۳۸۳). ذکر این نکته ضروری است که دیگر امروزه استفاده از این عنوان در مورد معماری این دوران سرزمین آذربایجان کاربرد چندانی ندارد و این عنوان جای خود را به سبک معماری آذربایجان داده است.

دکتر بهرام آجرلو در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر سبک معماری آذربایجان» به معرفی این سبک معماری پرداخته و دامنه‌ی تأثیر این سبک را از ماوراءالنهر تا مصر دوره‌ی ممالیک دانسته است (آجرلو، ۱۳۸۹) وی در مقاله‌ی ارزشمند دیگری با عنوان «شیوه‌ی معماری شیروان» در میان بحث در مورد این مکتب به صورت گذرا به این تأثیرات اشاره داشته است (آجرلو، ۱۳۸۸). شیلا بلر و جاناتان بلوم در کتاب هنر و معماری اسلامی ۲ در بحث از معماری امپراتوری عثمانی به تأثیر معماری آن از آذربایجان و تبریز اشاره‌ای داشته است (بلر و بلوم، ۱۳۹۰).

دکتر جواد شکاری نیری در مقاله‌ای با نام «تعیین عملکرد و طرح معماری واحدهای نجومی مکشوفه در رصدخانه مراغه» به مطالعه تأثیر واحدهای نجومی رصدخانه مراغه بر رصدخانه چیپور هند پرداخته است (شکاری نیری، ۱۳۹۵).

۴- بررسی کلی ویژگی‌های معماری اسلامی آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری

دوره‌ی ایلخانی عصر شکوفایی معماری و شهرسازی در آذربایجان بوده است و این دوره در سیر تکوین هنر و معماری ایران دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد (آجرلو، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۰). از دیدگاه پژوهشگران تاریخ هنر معماری دوران ایلخانیان، معماری این دوره به لحاظ فرم و پلان و تکنیک‌های ساخت ویژگی‌های معماری عصر سلجوقی را به ارث برده است و معماران این دوره نیز پلان چهار

ایوانی را برای ساخت بناهایی چون مسجد، مدرسه و کاروانسرا برگزیده‌اند و هرچند از منظر زیبایی‌شناسی فرم، سبک جدیدی در تاریخ معماری ایران پدید نیآورده‌اند اما کوشیده‌اند با کاهش و اصلاح تناسبات بنا تغییراتی ظریف صورت دهند و شاید بتوان بارزترین ویژگی آن را آمادگی به پیروی از سرمشق‌های متداول سلجوقیان دانست (شراتو و گروه، ۱۳۹۱: ۷-۸).

در مقایسه با معماری عصر سلجوقی، معماران ایلخانی آثار خود را به لحاظ عظمت، ابداع، تناسب اجزاء ساختمان و پلان و نقشه عالی آنها ممتاز کرده‌اند (حسن، ۱۳۶۶: ۴۳). ویلبر مسأله عمده در معماری این زمان را تلفیق و ترکیب اشکال ساختمانی و تزئینات آنها می‌داند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۴).

مهندسان و معماران عهد ایلخانی مسائل، تکنیک‌ها و فنون مهندسی خاص خود را داشتند. از دیدگاه آندروپترسن شاخص مهندسی ایشان را می‌توان ابعاد عظیم بناها و کاربرد عظیم گچبری و توسعه طاق عرضی دانست. گرچه این تکنیک پیش‌تر هم به کار می‌رفت اما این برای اولین باری بود که در معماری با مصالح آجری به کار رفت (Petersen, 1996: 114). ساخت بناهای بلند، قوس‌های تند و مرتفع، تکرار واحدهای قوسی، کاهش اجرام پر و افزایش فضاهای تهی در ساختمان، تکامل سیستم ساختمانی طاق عرضی و چهارطاقی اشکانی - ساسانی، گرایش زیاد به قائم ساختن عناصر ساختمانی و بالاگرایی در بناها از شاخص‌های مهندسی ساختمان در این دوره است (فرشاد، ۱۳۷۶: ۱۶۹-۱۶۸).

بارزترین ویژگی که آثار معماری ایلخانی را با دیگر دوره‌ها متمایز می‌کند، ارتفاع و رفعت بناها می‌باشد. در این دوران ایوان‌ها بلندتر و عریض‌تر می‌شوند و به بعد عمودی فضاها توجه دارند تا بعد افقی؛ سردرهای بلند مورد توجه معمار هستند و همین ارتفاع بر باریک‌نمایی حجم و باریکتر شدن دیوارها تاثیر اساسی نهاد (پوپ، ۱۳۸۱: ۱۷۱-۱۷۰).

تغییر و تحولات ساخت و سازهای عصر مغول تنها به معماری بناها محدود نماند بلکه شهرسازی و فضاهای شهری نیز فراگیر شد «...شهرسازی در دوره ایلخانی به یک تعادل و هماهنگی اجزا با یکدیگر رسیده است. این اجزا گذشته از منازل مسکونی افراد ساکن و راه‌های ارتباطی و فضاهای شهری در مقبره‌ی سلطنتی، مسجد جامع مدارس، خانقاه، دارالسیاده، رصدخانه، بیمارستان، کتابخانه، بیت‌القانون، گرمابه و... در بافت شهری فعالیت داشته‌اند. حاصل هماهنگی مطلوب اجزا بافت شهری در دوره‌ی ایلخانی کلی است منسجم، که شاید در کمتر دوره‌ای بتوان آن را دید. در این کل، فقط شئون خاص هر جزء رعایت گردیده؛ به صورتی که هر جزء در حیطه عملکرد خود تقریباً تجسمی از کلیت قوام یافته‌ای را به نمایش می‌گذارد. به عبارتی دیگر هر جزء خود بیانگر سلسله مراتبی قوام یافته‌ی اجزاء زیر مجموعه خود است. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب «الاحیا و الاثر» به شرح اصول و قواعد معماری و شهرسازی پرداخته است» (میرفتاح، ۱۳۷۴: ۵۳۷-۵۳۶).

با تاسیس و تثبیت سلسله‌ی ایلخانی، شهرهای آذربایجان از قبیل تبریز و سلطانیه محل تجمع هنرمندان گردید و ابنیه‌ای که در این مدت زمانی ساخته شدند، به دست هنرمندان محلی بود. گاهی نیز شاهان ایلخانی با صدور احکامی خواستار احداث بناهای مهم و شکوهمند مثل غازانیه و سلطانیه می‌شدند. به طور کلی از نظر مصالح ساختمانی و شکل، بین بناهایی که در شهرهای آذربایجان ساخته شده شباهتی وجود دارد که در بناهای نقاط دیگر ایران کمتر دیده می‌شود. تزئیناتی چون گچبری، کاشیکاری و آجرکاری با مهارتی خاص زینت بخش بناها شدند (کیانی، ۱۳۸۹: ۶۰-۵۹).

شکوه و عظمت امپراتوری قدرتمند ایلخانی، آثار معماری عظیم و باشکوه را طلب می‌کرد و این امپراتوری توان خلق چنین شاهکارهایی را هم داشت. شاید بتوان گفت که هدف سلاطین مغول از آفرینش چنین آثاری، حقیر جلوه دادن میراث سلاطین ماقبل خود بوده باشد؛ به معماران شنب‌غازان و ارگ علیشاه از پیش تفهیم شده بود که باید آثار ایشان به لحاظ ابعاد، حجم و تزئین برتر و فراتر از مقابر سلطان سنجر در مرو و طاق کسری در تیسفون باشند (Qiyasi, 1985: 8-9).

۵- بررسی و تحلیل تاثیر معماری اسلامی آذربایجان بر سایر سرزمین‌های اسلامی در قرون بعدی

در دوران ایلخانی معماری در آذربایجان پیشرفت بسیاری کرد و این پیشرفت‌ها بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی از جمله ترکستان و خراسان عصر تیموریان، مصر دوره‌ی ممالیک برجی و بحری و امپراتوری عثمانی تاثیر زیادی گذاشت و آثار بسیاری که

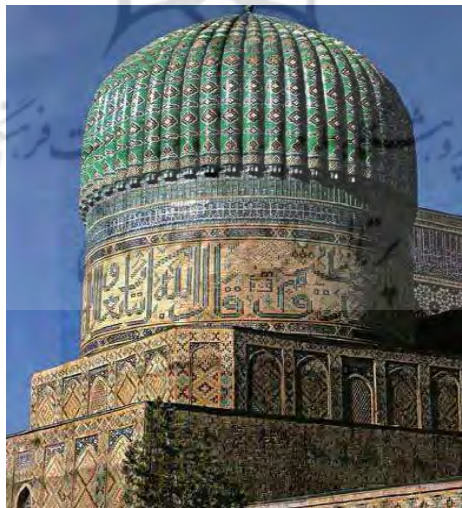
اکثر آنها تا به امروز نیز پابرجا هستند، به تاثیر و الهام از سبک معماری آذربایجان ساخته شد. در ادامه به بررسی موردی این تاثیر بر معماری سرزمین‌های مزبور خواهیم پرداخت و در این راه آثار شاخص معماری این سرزمین‌ها را که نشان از تأثیر سبک معماری آذربایجان بر خود دارند، بررسی و تحلیل خواهیم نمود.

۵-۱- خراسان و ماوراءالنهر در دوره تیموری

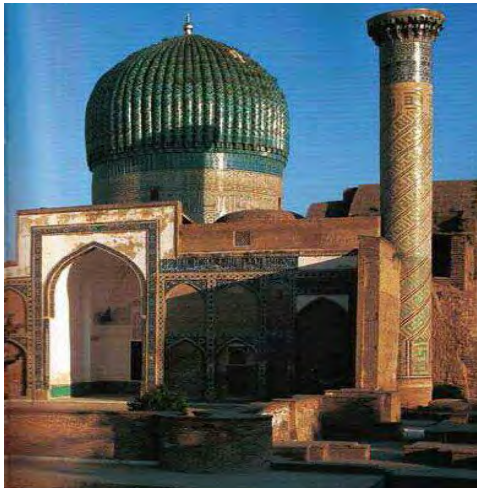
بعد از فتح آذربایجان توسط امیر تیمور شمار بسیاری از هنرمندان و معماران آذربایجانی به خراسان و ماوراءالنهر فرستاده شدند و به این ترتیب شاهکارهای معماری بسیاری به تأثیر از سبک معماری آذربایجان در این مناطق بوجود آمد. مسجد جامع سمرقند، مسجد گوهرشاد، گور امیر تیمور، تربت خواجه ابونصر پارسا در بلخ، کاخ آق‌سرای در شهر گش یا سبز و رصدخانه‌ی سمرقند به تاثیر و الهام از آثار معماری آذربایجان در عهد ایلخانی ساخته شدند.

نخستین اقدام معماری تیمور در زادگاه خود شهر گش یا سبز حادث گشت، او در اینجا کاخی در افکند که به آق‌سرای شهرت یافت و تنها مدخل فرو رفته‌ای از آن باقی مانده است. این مدخل مرکب از یک ایوان گول پیکر با پهنای ۲۲ متر است که باستونهایی آن را در میان گرفته است. سطح وسیعی از آن با آجر معرق پوشیده شده و در سطوح قاب‌های کوچک‌تر از کاشی چند رنگ امضای محمد یوسف تبریزی دیده می‌شود (بلر و بلوم، ۱۳۹۰: ۹۲).

تیمور در سال ۸۰۶ ه.ق به افتخار و یادبود مادر همسر خود در سمرقند مسجد عظیمی به شکل مستطیل ساخت که به مسجد بی بی خانم مشهور شد (بلر و بلوم، ۱۳۹۰: ۹۵). تاثیر سبک معماری آذربایجان در این مسجد کاملاً آشکار و عیان است. اولین تأثیر را می‌توان در نقشه و طرح این مسجد مشاهده کرد که به تقلید از مسجد بزرگ سلطنتی ایلخانان در سلطانیه پایتخت سلطان اولجایتو بنا شده است. ساقه گنبد‌های بلند و تزئینات کاشیکاری این مسجد نمود دیگری از این تأثیرات است (تصویر شماره ۱). نمونه‌ی دیگر معماری تیموریان در ماوراءالنهر که به تاثیر از سبک معماری آذربایجان ساخته شده آرامگاه امیر تیمور در سمرقند است. گنبد درخشان آبی و پیازی شکل و تویزه‌دار بر بالای مقبره در زیر آفتاب می‌درخشد (بلر و بوم، ۱۳۹۰: ۹۷). گنبد و کاشی کاری بارگاه این بنا نشانی از تزئینات ایرانی و از جمله سبک معماری آذربایجان است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۱: مسجد بی بی خانم در سمرقند متأثر از سبک معماری آذربایجان (منبع: شایسته‌فر و سدره‌نشین، ۱۳۹۱: ۲۴)



تصویر شماره ۲: گور امیر تیمور در سمرقند متأثر از سبک معماری آذربایجان (منبع: شایسته‌فر و سدره‌نشین، ۱۳۹۱: ۲۵)

۵-۲- امپراتوری عثمانی

مراودات فرهنگی آذربایجان به مرکزیت تبریز و امپراتوری عثمانی در سده شانزدهم میلادی / دهم هجری قمری به اوج خود رسید. سلطان سلیم پس از پیروزی در جنگ چالدران و با ورود به تبریز سراغ آثار هنری و هنرمندان ایرانی رفت و این سرآغازی بر تأثیر هنر و معماری آذربایجان بر امپراتوری عثمانی بود (آژند، ۱۳۸۹: ۳۷). سلطان سلیم اول هنگام بازگشت دوپست خانوار از هنرمندان و تجار را به استانبول منتقل کرد که این کار سبب نفوذ هنر آذربایجان و ایران به امپراتوری عثمانی شد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۹: ۲۸۶).

هنرمندان ایرانی ابتدا در استانبول به فعالیت پرداختند و به کاشیکاری مساجد و بناهای مهمی در ترکیه پرداختند که امضای هنرمندان تبریزی خود گواهی بر این مدعا است (ابراهیمی نژاد رفسنجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳). از تأثیرات سبک معماری آذربایجان بر امپراتوری عثمانی انتشار فرم معماری هشت بهشت و بازتاب آن در چینیلی کوشک است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۷). این کاخ را سلطان محمد فاتح در سال ۸۷۷ ه.ق در «توپقاپی سرای» استانبول ساخت. نقشه‌ی متمرکز و قرینه‌ای تاق بندی سکنج، و تزئین کاشیکاری آن همه از عناصر خاص تیموری و الگوی بلافضل آن عمارات ترکمانان شمال غرب ایران و به ویژه کاخ هشت بهشت تبریز است که در زمان یعقوب پسر اوزون حسن آق قویونلو ساخته شد (بلر و بلوم، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶) (تصویر شماره ۳).



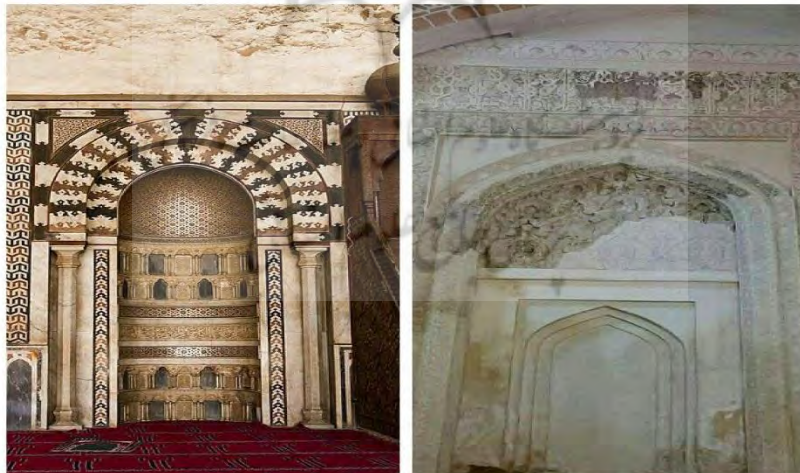
تصویر شماره ۳: کاخ چینیلی کوشک استانبول متأثر از کاخ هشت بهشت تبریز (منبع: Archnet.org)

۵-۳- ممالیک بر جی و بحری مصر

ممالیک مصر به دو شعبه تقسیم می‌شدند؛ شاخه‌ی نخست که بیشتر از ترکان قپچاق جنوب روسیه بودند به ممالیک بحری شهرت یافتند چون قرارگاههای آنها در اصل در جزیره‌ی روضه در نیل (البحر) قرار داشت. شاخه دوم بیشتر از چرکسی‌های قفقاز بودند و به ممالیک بر جی معروف شدند چون پایگاه‌های آنها بیشتر در ارک (به عربی برج) متمرکز بود (بلوم و بلوم، ۱۳۹۰: ۱۷۹). با افزایش قدرت امپراتوری ایلخانی و گشایش روابط سیاسی تبریز و قاهره معماری ممالیک مصر از سبک معماری آذربایجان تأثیر پذیرفت که بهترین نمونه‌های آن مسجد امیر قسون و مسجد سلطان ناصر محمد هستند (آجرلو، ۱۳۸۹: ۱۲). مسجد الناصر محمد در مناره‌های بلند، استفاده از سنگ در بنا و گچبری‌های محراب آشکارا متأثر از سبک معماری آذربایجان و تبریز است (تصاویر شماره ۴ و ۵).



تصویر شماره ۴: مسجد سلطان ناصر محمد در قاهره، قرن ۱۴ م، متأثر از سبک معماری آذربایجان (منبع: Arch.net.org)




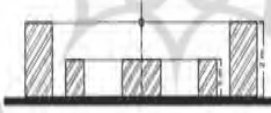
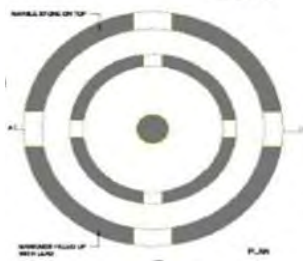
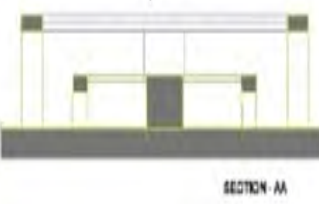

تصویر شماره ۵: مقایسه گچبری‌های محراب مسجد جامع تبریز (سمت راست) و محراب مسجد سلطان ناصر محمد در قاهره (سمت چپ) (منبع: نگارنده، ۱۳۹۶)



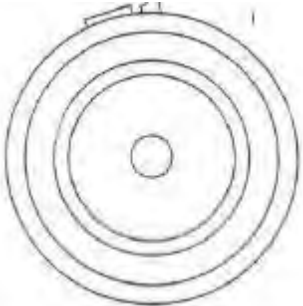

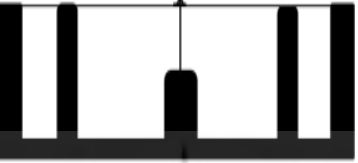
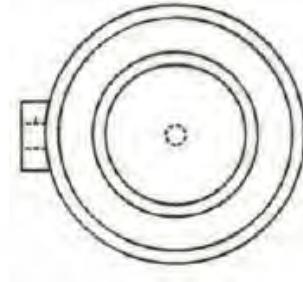
۵-۴ معماری تیموریان هند (گورکانیان)

تیموریان هند (سلطنت در ۹۳۳-۱۲۷۵ م.) از بزرگترین، غنی‌ترین و طولانی‌ترین سلسله‌های اسلامی هستند. بناهای زیادی از این دوره در مقایسه با ادوار پیشین اسلامی در هند باقی مانده است. در این دوره سبک‌های بومی هندی و اسلامی با اشکال و فنون ایرانی و آسیای میانه ترکیب شد (بلر و بلوم، ۱۳۹۰: ۶۹۵). هنر و معماری آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری هند این دوره نیز بی‌تأثیر نبوده است. این تأثیرات را می‌توان در معماری و فضاهای کوشک‌ها و کاخ‌ها مشاهده کرد. همایون شاه گورگانی که در زمان شیر شاه سور از سرزمین خود رانده شده بود مدتی را در ایران در تبعید گذراند او در سال ۹۵۲ هجری از تبریز و اردبیل دیدن نمود (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۰) و از نزدیک از کاخ‌های شهر تبریز که در دوره‌ی ترکمانان ساخته شده بودند دیدن کرد. آرامگاه همایون در دهلی قابل مقایسه با مقبره اولجایتو در سلطانیه، مقبره تیمور در سمرقند و کاخ هشت بهشت تبریز است و این نشان می‌دهد که سازنده‌ی آن آگاهی کاملی از ویژگی‌های معماری عهد تیمور داشته است و نکته‌ای که قابل ذکر است اینکه همایون و همسرش حمیده بانو هنگام اقامت در ایران از قزوین، تبریز و سلطانیه دیدن کرده‌اند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵). نمونه‌ی مشابه و قابل مقایسه‌ی دیگر پلان معماری رصدخانه مراغه با رصدخانه جیپور و رصدخانه ورناسی هند است که در قرن ۱۸ میلادی و پانصد سال بعد از رصدخانه مراغه ساخته شده‌اند. واحدهای نجومی در رصدخانه جیپور هند به صورت سه‌گانه و تو در تو ساخته شده و کاملاً قابل مقایسه با واحدهای نجومی رصدخانه مراغه است (شکاری نیری، ۱۳۹۵: ۱۰۰) (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: مقایسه واحدهای معماری نجومی رصدخانه مراغه، با واحدهای مشابه در رصدخانه‌های هند (منبع: شکاری نیری،

۱۳۹۵: ۱۰۱)

واحد و رصدخانه	پلان	مقطع	تصویر
رصدخانه مراغه (ذات الاستوانتی) (ن قطر ۸,۳۵ سال احداث ۶۵۷ هجری)			
دیگانسا یانترای رصدخانه جیپور (قطر ۸ متر) سال احداث ۳۴- ۱۷۲۷ م			

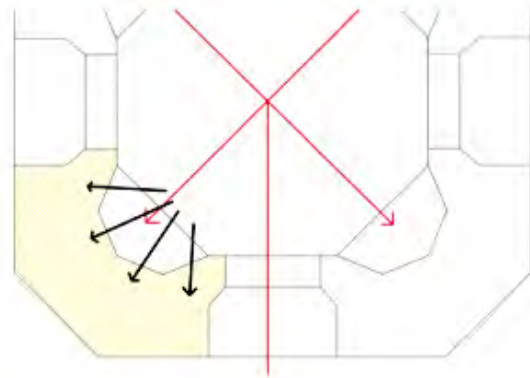
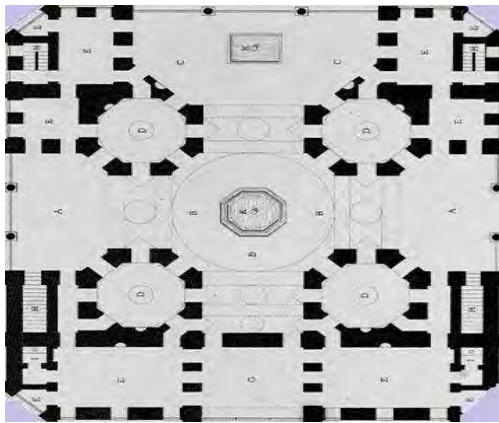
			واح دیگانسا یانترای رصدخانه ورانسای سال احداث ۳۴- ۱۷۲۷م
			واحد دیگانسا یانترای رصدخانه اوجاین سال احداث ۳۴- ۱۷۲۷م

۵-۵- مکتب معماری اصفهان در دوره ی صفوی

مکتب معماری اصفهان در دوره ی صفوی از جهاتی تحت تأثیر سبک معماری آذربایجان به خصوص بناهای شهر تبریز است. این تأثیر هم در عناصر معماری و هم در تزئینات وابسته بدان دیده می‌شود. از آنجا که شاه طهماسب اول صفوی که بیش از نیمی از پادشاهی خود را در تبریز گذرانیده و از نزدیک با سبک معماری کاخ‌ها مانند هشت بهشت آشنا شده بود، خواستار برپایی آن در پایتخت بعدی خود، قزوین شده بود. از این رو با تطبیق پلان و دیگر جزئیات فضای معماری کوشک سلطنتی قزوین با کاخ هشت بهشت تبریز، انعکاس کاخ هشت بهشت اوزون حسن و یعقوب در این کاخ به صراحت پیداست. منابع تاریخی همچنان خاستگاه کاخ هشت بهشت اصفهان را در چینیلی کوشک سلطان محمد فاتح عثمانی جست و جو کرده‌اند. درحالی که چینیلی کوشک عثمانی خود ریشه در هشت بهشت تبریز دارد. از این رو با تطبیق پلان، عناصر معماری، فضاهای ورودی و تعداد طبقات در کاخ هشت بهشت اصفهان، سبک معماری این کاخ کاملاً ملهم از کاخ یعقوب آق قویونلو در تبریز است، اما به دلیل نبود آثار معماری از کاخ هشت بهشت تبریز سبک معماری کاخ هشت بهشت اصفهان را به اشتباه بر گرفته از کاخ چینیلی کوشک عثمانی می‌دانند (تصویر شماره ۶).

مورد دیگری که قابلیت قیاس دارد، طرح و پلان بدون صحن و سرپوشیده ی مسجد کبود تبریز است که در دوره ی صفوی نمونه ی مشابه این طرح در مسجد شیخ لطف الله اصفهان دیده می‌شود اما برقراری ارتباط بین این دو در حال حاضر کاری دشوار به نظر می‌رسد.

تزئینات معماری نیز همپای خود معماری تأثیرات خود را بر مکتب صفوی اصفهان گذارده است. تزئینات باشکوه کاشی معرق مسجد کبود تبریز پیش زمینه ی کاشیکاری‌های زیبای مساجد اصفهان در دوره ی صفوی است. اما ذکر این نکته ضروری است که این تزئینات بعد از مسجد کبود هرگز به این درجه از رشد و بالندگی نرسید.



تصویر شماره ۶: مقایسه پلان و فضاهای کاخ هشت بهشت تبریز (سمت راست) و هشت بهشت اصفهان (سمت چپ) (منبع: نگارنده، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری

در دوران ایلخانی و تیموری معماری و شهرسازی در آذربایجان به مرکزیت شهرهایی چون تبریز، سلطانیه و ... پیشرفت بسیاری کرد و بر معماری سایر سرزمین‌های اسلامی تأثیر بسیار گذاشت و در طول حدود دو قرن مبدأ ابداعات هنر معماری شد. این ابداعات معماری در سده‌های بعدی بر معماری سرزمین‌های مجاور تأثیری اساسی نهاد و در مواردی با شکل و شیوه‌ای دیگر ظاهر گشت که با مطالعه و بررسی دقیق و عمیق این خصایص و ویژگی‌ها می‌توان ریشه‌ی این ویژگی‌ها را در سبک معماری آذربایجان یافت. بعد از فتح آذربایجان توسط امیر تیمور شمار بسیاری از هنرمندان و معماران آذربایجانی به خراسان و ماوراءالنهر فرستاده شدند و به این ترتیب شاهکارهای معماری بسیاری به تأثیر از سبک معماری آذربایجان در این مناطق بوجود آمد. مسجد جامع سمرقند، مسجد گوهرشاد، گور امیر تیمور، تربت خواجه ابونصر پارسا در بلخ، کاخ آق‌سرای در شهر کُش یا سبز و رصدخانه‌ی سمرقند به تاثیر و الهام از آثار معماری آذربایجان در عهد ایلخانی ساخته شدند. با افزایش قدرت امپراتوری ایلخانی و گشایش روابط سیاسی تبریز و قاهره معماری ممالیک مصر از سبک معماری آذربایجان تأثیر پذیرفت که بهترین نمونه‌های آن مسجد امیر قسون و مسجد سلطان ناصر محمد هستند. مسجد الناصر محمد در مناره‌های بلند، استفاده از سنگ در بنا و گچ‌بری‌های محراب آشکارا متأثر از سبک معماری آذربایجان است. همچنین کاخ چینیلی کوشک به تاثیر از کاخ‌های ایرانی از جمله کاخ هشت بهشت یعقوب فرمانروای آق‌قویونلو، در استانبول ساخته شد. هنر و معماری آذربایجان در دوران ایلخانی و تیموری بر معماری هند این دوره و دوران بعد نیز بی‌تأثیر نبوده است. این تأثیرات را می‌توان در معماری و فضاهای کوشک‌ها و کاخ‌ها مشاهده کرد. این تأثیرات حتی پانصد سال بعد از ساخت رصدخانه مراغه در رصدخانه‌هایی مانند جیبور هند دیده می‌شود. منطقه‌ی دیگری که در این پژوهش بدان پرداخته شد معماری شهر اصفهان در دوره‌ی صفوی است؛ تأثیر معماری آذربایجان و بخصوص شهر تبریز بر اصفهان دوره‌ی صفوی در فرم کاخ‌هایی مانند هشت بهشت و همچنین تزئینات کاشیکاری معرق کاملاً واضح و نمایان است.

منابع

۱. آجرلو، بهرام (۱۳۸۹)، «درآمدی بر سبک معماری معماری آذربایجان»، باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۴-۳
۲. آجرلو، بهرام (۱۳۸۸)، «شیوه‌ی معماری شیروان»، باغ نظر، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۲-۳
۳. آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، «تأثیر هنرمندان مکتب تبریز در شکل‌گیری و گسترش مکتب استانبول»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۱، صص ۳۸-۳۳

۴. ابراهیمی نژاد رفسنجانی زهره، حسین آبادی زهرا، خوب بین خوش نظر سید رحیم (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی سفال کوب‌باچه ایران (صفوی) و سفال ایزنیک ترکیه (عثمانی)»، هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۲۲، شماره ۲، ص ۶۳
۵. اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۲)، «تاریخ عالم آرای عباسی»، تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر
۶. اوریا، محمود (۱۳۹۴)، «مقدمه‌ای بر تاریخ معماری آذربایجان از حجر تا قجر»، چاپ اول، تبریز: نشر اختر
۷. بلر شیلا، بلوم جان‌تاتان (۱۳۹۰)، «هنر و معماری اسلامی ۲»، ترجمه یعقوب آژند، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت
۸. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۱)، «معماری ایران»، ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگان
۹. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، «سبک شناسی معماری ایران»، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر معمار.
۱۰. چارشلی اوزن، حقی اسماعیل (۱۳۷۹)، «تاریخ عثمانی از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی»، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، چاپ دوم، تهران: کیان
۱۱. زکی، محمدحسن (۱۳۶۶)، «تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام»، ترجمه محمد علی خلیلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اقبال
۱۲. شایسته فر مهناز، سدره نشین فاطمه (۱۳۹۲)، «تطبیق نقوش تزئینی معماری دوره تیموری در آثار کمال‌الدین بهزاد با تأکید بر نگاره‌ی «گدایی بر در مسجد»»، فصل‌نامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۲۵، صص ۲۴ و ۲۵
۱۳. شراتو امبرتو، گروه ارنست (۱۳۹۱)، «هنر ایلخانی و تیموری»، چاپ سوم، تهران: نشر مولی
۱۴. شکاری نیری، جواد (۱۳۹۵)، «تعیین عملکرد و طرح معماری واحدهای نجومی مکشوفه در رصدخانه مراغه»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲
۱۵. فرشاد، مهدی (۱۳۷۶)، «تاریخ مهندسی در ایران»، ج ۳، تهران: نشر بلخ
۱۶. کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۹)، «تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی»، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت
۱۷. میرزایی معصومه، موسوی حاجی سید رسول، تقوی عابد، مرادی امین (۱۳۹۵)، «بازشناسی فرم معماری کاخ هشت بهشت تبریز (جایگاه آن در روند شکل‌گیری نمونه‌های ایران و سرزمین‌های همجوار، طی قرون ۹ و ۱۰ هجری)»، باغ نظر، شماره ۱۳، صص ۷۷-۸۸
۱۸. میرفتاح، علی اصغر (۱۳۷۴)، «پایتخت‌های ایران: مراغه، تبریز، سلطانیه در پایتخت‌های ایران»، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی کشور
۱۹. ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان»، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
20. Petersen, A. (2002), *Dictionary of Islamic Architecture*. New York: Routledge.
21. Qiyasi, c, (1985), *yaxin uzaq Ellərdə*. Baki: I q n riyat .
22. WWW. Archnet.org